خط لوله‏ گاز طبیعی ایران‏ به هند قسمت اول

 از زمان اکتشاف منابع جدید گاز طبیعی به ویژه پارس جنوبی،دولت ایران تلاش خود را به منظور صادرات بیشتر گاز توسعه بخشیده است.کشورهای آسیای جنوبی مانند هند و پاکستان با برخورداری از منابع بسیار اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی در مقایسه با تولید و عرضه بسیار پایین آن در زمره بازارهای سودآور مورد نظر دولت ایران محسوب‏ می‏شوند.

در سال 1995،ایران و پاکستان برای احداث خط لوله گاز طبیعی بین منبع پارس جنوبی و کراچی،مهمترین بندر صنعتی پاکستان،یک موافقت نامه مقدماتی امضا کردند.پس از مدتی‏ ایران توسعه این خط از پاکستان به هند را نیز در نظر گرفت.با این پیشنهاد،پاکستان‏ می‏توانست از صادرات گاز ایران بهره برده و همچنین از منافع آن به عنوان یک کشور انتقال دهنده گاز به هند سود جوید.در ابتداء،دولت هند به انعقاد قرارداد با پاکستان با توجه به اختلافات دیرینه بین دو کشور همسایه چندان رغبتی نشان نداد.اما در مقابل از احداث یک خط لوله زیردریایی که از امنیت بیشتری در مقایسه با طرح اولیه برخوردار بود،استقبال کرد.

در سال 2000 میلادی،مقامات رسمی سه دولت ایران،پاکستان و هند مذاکرات خود را در خصوص مسیرهای ممکن،روش‏های مختلف انتقال و مسایل جغرافیایی سیاسی خط لوله گاز طبیعی ایران به هند مجددا از سر گرفتند.انجام این مذاکرات نشانگر ایجاد تغییرات عمده‏ در سیاست‏های بین منطقه‏ای این دولت‏ها می‏باشد.سود حاصله از توسعه بالقوه اقتصاد گاز طبیعی سه دولت ایران،هند و پاکستان را مجبور می‏کند تا خط مشی خود را در اختلافات‏ منطقه‏ای مانند کشمیر،افغانستان و مسایل امنیت ملی مورد تجدید نظر قرار دهند.

مضافا بر آنکه،همکاری‏های بالقوه و منافع حاصله از آن ممکن است به تغییر روند مذاکرات سیاسی و اجتماعی منجر و در نهایت رفع اختلافات منطقه‏ای را در پی داشته باشد.

خط لوله صلح

صادرات گاز طبیعی ایران به هند از طریق‏ پاکستان اقدامی است که می‏تواند موجبات‏ دگرگونی در سیاست‏های منطقه‏ای آسیای جنوبی‏ را فراهم آورد.دولت هند از نظر تضمین امنیت‏ عرضه گاز طبیعی از طریق خط لوله نگران‏ پاکستان می‏باشد.مضافا،از آنجا که در گذشته‏ خط مشی‏های خارجی دو دولت پاکستان و ایران‏ در خصوص مسایلی چون افغانستان و اختلافات‏ مذهبی شیعه و سنی با یکدیگر مغایرت داشت، مساله همکاری پاکستان با ایران خود می‏تواند زمینه حل اختلاف بین این دو کشور را فراهم‏ آورد.از این رو،تجارت و جهانی شدت اقتصاد می‏تواند به عنوان واسطه‏ای در اختلافات‏ منطقه‏ای و بین منطقه‏ای نقش مثبتی را ایفا نماید.

تجارت گاز طبیعی بین هند،ایران و پاکستان‏ با در نظر گرفتن حقایق جغرافیایی سیاسی، تاریخی و استراتژیکی سه کشور می‏تواند بر کل‏ خاورمیانه و آسیا تأثیر به سزایی گذارد.

مذاکرات در خصوص خط لوله

ایران با برخورداری از حدود 9 درصد از کل‏ ذخایر نفت جهان،دومین تولید کننده نفت اوپک‏ بشمار می‏رود.همچنین ذخایر گاز 812 تریلیون‏ فوت مکعبی،این کشور را در رده دوم جهان قرار داده است.به دلیل مصرف بالا و تأمین تقاضای‏ فزاینده گاز،ایران به شدت در پی توسعه‏ بازارهای صادرات گاز خود می‏باشد.در این میان‏ بازارهای نوظهور آسیای جنوبی برای ایران‏ اهداف مناسبی به شمار می‏روند.

ایران در سال 1993،برای اولین بار صادرات‏ گاز خود به هند را به عنوان یک طرح عنوان کرد و در عین حال صادرات گاز به پاکستان را نیز مد نظر داشته است.دولت ایران احداث خط لوله از عسلویه در نزدیکی پارس جنوبی در خلیج فارس‏ به شهرهای کراچی و مولتان و سپس امتداد این‏ خط لوله به دهلی را پیشنهاد داده است.امتداد خط لوله برای مصارف داخلی هند بستگی به‏ تصمیم دولت هند برای آغاز مذاکرات جدیدی‏ در این باب دارد.

در سال 1995،پاکستان و ایران برای احداث‏ خط لوله‏ای به ارزش 3 میلیارد دلار و به طول‏ 870 مایل در خشکی از پارس جنوبی به کراچی‏ موافتنامه اولیه‏ای را امضاء کردند.در این‏ توافقنامه،صادرات گاز به شهر مولتان پاکستان و همچنین ادامه خط لوله به هند در نظر گرفته شده‏ بود.براساس طرح جدید،پاکستان قادر خواهد بود تا گاز صادراتی خود را برای فروش به بازار بین‏المللی دهلی تزریق کرده و یا عرضه گاز خود را برای مصارف داخلی مولتان قطع کند.

این خط لوله به طول 2670 کیلومتر و قطر 48 اینچ حامل گازی به ارزش 2/3 میلیارد دلار می‏باشد.پاکستان می‏تواند دراین میان 500 میلیون دلار را به عنوان هزینه ترانزیت خط لوله‏ کسب نموده و حدود 200 میلیون دلار نیز از طریق خرید گاز ارزان‏تر این خط لوله صرفه‏ جویی کند.

چهار شرکت BHP از استرالیا،شرکت ملی‏ گاز ایران،پتروناس مالزی و توتال فرانسه تمایل‏ خود را در خصوص احداث خط لوله گاز طبیعی‏ ایران به هند ابراز نموده‏اند.

شرکت توتال در حال حاضر در احداث خط لوله بین‏المللی از ایران به ترکیه مشارکت دارد.

کنسرسیومی متشکل از شل،بریتش گاز، پتروناس،شرکت ملی گاز ایران،شرکت هندی‏ GAIL و یک شرکت ایرانی در مورد چگونگی‏ صادرات گاز از پارس جنوبی به پاکستان در حال‏ بحث و مذاکره می‏باشند.

در سال 1999،طی چندین جلسه مذاکره‏ بین مقامات دولتی ایران و هند مقرر گردید تا با ایجاد کمیته‏ها و هیئت‏هایی امکان سنجی پروژه‏ خط لوله مورد مطالعه قرار گیرد.در فوریه سال‏ 1999،ایران با امضاء یک قرارداد اصولی با هند با ایده همکاری سه جانبه موافقت نمود.با این‏ حال برای به تحقق پیوستن پروژه کماکان به‏ تفاهم‏نامه‏ای دو جانبه بین هند،ایران و پاکستان‏ نیاز بود.

در آوریل 1999،دولت‏های ایران و هند با تأسیس یک کمیته سه جانبه متشکل از مقامات‏ ذیربط دولتی،مطالعه امکان سنجی توسعه خط لوله را از نظر صنعتی و اقتصادی آغاز کردند.در سپتامبر 1999،شرکت ملی گاز ایران هیئتی دو نفره را به منظور تهیه گزارش امکان سنجی پروژه‏ با همکاری شرکت Gas Authority Of India Limited GAIL و وزارت نفت هند به این‏ کشور اعزام کرد.

در پایان سال 1999،مدیر عامل شرکت نفت‏ پاکستان به منظور تبادل نظر در مورد طرح خط لوله انتقال گاز،به تهران سفر کرد.پیامد این سفر، دیدارهای مختلف دیپلماتیکی در سطح منطقه‏ بود.در مارس 2000،دبیرکل صنعت نفت‏ پاکستان طی سفر خود به ایران به طور رسمی‏ موافقت خود را با طرح خط لوله بین سه کشور اعلام کرد.در آوریل 2000 مقامات دولتی ایران‏ برای امضاء قرارداد به پاکستان سفر نمودند. مجددا کمیته هندی ایرانی در ژوئیه و اوت در خصوص امکان‏پذیری طرح خط لوله از نظر امنیتی و اقتصادی با یکدیگر ملاقات نمودند. مهمترین هدف ایجاد این کمیته حصول اطمینان‏ دولت هند از امنیت این طرح بود.

در حال حاضر دو دولت پاکستان و ایران در مورد مسایل لجستیکی طرح چون امنیت خط لوله در پاکستان،مدت زمان احداث و همچنین‏ طول آن با یکدیگر به توافق رسیده‏اند،در ژوئیه‏ 2000،وزیر انرژی پاکستان امنیت بیش از حد خط لوله را به دو دولت ایران و هند تضمین‏ نمود.همچنین تصمیم گرفته شد در صورتی که‏ خط لوله در حداقل زمان ممکن(حدودا سه‏ سال)ساخته شود،دولت ایران حق ترانزیت آن‏ را افزایش دهد.

تجارت،،عاملی سازمان دهنده در همکاری‏های منطقه‏ای

با پیشرفت مذاکرات بین شرکت‏های نفتی، کمیته‏ها و مقامات رسمی این سه دولت،مسایل‏ جدیدی چون تأمین تقاضای فزاینده انرژی در آسیای جنوبی و همکاری‏های بین منطقه‏ای‏ مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.همکاری‏های‏ بین‏المللی هند-پاکستان در کنار همکاری‏های‏ هند-ایران و همچنین ایران-پاکستان می‏تواند تأثیر بالقوه‏ای بر روابط دو جانبه بین کشورها و اختلافات بر سر افغانستان،کشمیر و کل امنیت‏ منطقه داشته باشد.

پس از سفر رئیس جمهور ایران آقای سید محمد خاتمی به نیویورک در سپتامبر 2000، مشرف به تمایل پاکستان جهت شرکت در طرح‏ خط لوله تأکید نمود و آن را نمونه‏ای از همکاری‏های منطقه‏ای توصیف کرد.وی خاطر نشان ساخت که توسعه خط لوله و منابع گاز طبیعی در پاکستان به منزله نجات اقتصادی‏ کشور می‏باشد و وابستگی این کشور به منافع‏ حاصله از صادرات عمده کتان و منسوجات را کاهش می‏دهد.

این خط لوله واسطه‏ای تجاری در توسعه‏ روابط و حل مشکلات و اختلافات بین سه‏ کشور ایران،هند و پاکستان می‏باشد.برای‏ پاکستان،این خط لوله در برقراری مجدد روابط بین‏المللی با ایران نقش مهمی ایفاد می‏کند.طی‏ دهه‏های گذشته روابط دو دولت ایران و پاکستان‏ به علت اختلافات فاحش خود در مورد جنگ‏ داخلی افغانستان چندان با یکدیگر گرم نبود. طرح خط لوله گاز به هند همچنین موجب‏ توسعه و بهینه گردیدن روابط تجاری با ایران‏ می‏شود.در هفتم نوامبر 2000،هیئتی از تجار هندی طی سفر خود به ایران، تمایل بخش‏ خصوصی هند در مشارکت در طرح خط لوله‏ ایران به هند را ابراز نمودند. P.C.Patankar ، مشاور کل کنفدراسیون صنعت هند(400 شرکت‏ عضو این کنفدراسیون می‏باشند)در مورد نقش و عملکرد بخش خصوصی در این طرح صحبت‏ کرد.وی خاطرنشان ساخت که هیئت مذکور در پی فرصت‏های تجاری و همچنین تقویت و تحکیم روابط بین ایران و هند می‏باشد.وی‏ اضافه کرد که روابط بین این دو کشور دچار یک‏ خلاء ارتباطی گردیده است و این خلاء دلیل‏ اصلی روابط اندک تجاری بین این دو کشور بوده‏ است.این هیئت طرح خط لوله را یک توافق دو جانبه بدون در نظر گرفتن طرف سوم می‏دانست.

پاکستان و ایران نیز می‏توانند با ایجاد زمینه‏های همکاری در طرح خط لوله به‏ اختلافات منطقه‏ای خود پایان دهند.تاکنون‏ هیچگونه زمینه مساعدی برای رفع اختلافات‏ این دو کشور در مورد جنگ داخلی افغانستان و اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی وجود نداشته است.این اختلافات مسایل جدیدی‏ نیستند لیکن همواره به عنوان مانعی در همکاری‏های اقتصادی،اتکاء متقابل و جهانی‏ شدن کشورهای منطقه محسوب گردیدند. اقداماتی نظیر احداث خطوط لوله صادراتی گاز و وابستگی کشورهای منطقه از نظر تأمین‏ تقاضای نفت و گاز به یکدیگر می‏تواند یکی از راه حل‏های رفع این مشکلات باشد.

ولی آیا این مسایل به تنهایی می‏توانند مسیر «صلح»را هموار کند؟دراین میان می‏بایست‏ خاطرنشان ساخت که با موقعیت بالقوه اقتصادی‏ همه کشورهای درگیر منطقه،تغییر در روند مذاکرات سیاسی آنان ضروری است.

با این حال طرح خط لوله به عنوان یک‏ سازمان دهنده برای ترویج همکاری‏های‏ منطقه‏ای و یک واسطه تنها در سطوح دو جانبه‏ شناخته شده است.برای پاکستان،خط لوله به‏ عنوان مشارکتی با هند نمی‏باشد بلکه به عنوان‏ یک توافقنامه دو جانبه با ایران محسوب می‏گردد که از طریق مشارکت با ایران،هند نیز در این‏ طرح درگیر می‏شود.از این رو،دولت پاکستان‏ طرح خط لوله را یک همکاری منطقه‏ای با ایران‏ و هند می‏داند.پاکستان با کشورهای آسیای‏ جنوبی،خاورمیانه،ایران و آسیای مرکزی‏ همکاری مناسبی داشته است.اما دولت پاکستان‏ علاقه بیشتری در ایجاد روابط با آسیای مرکزی و خاورمیانه تا جنوب آسیا دارد.شاید پاکستان با اتخاذ این روش قصد دارد تا در آسیای جنوبی‏ تعهدات چندانی به عهده نگیرد.مضافا آنکه، حضور برتر هند از لحاظ تجاری و اقتصادی در منطقه،اکثر کشورهای آسیای جنوبی را به‏ برقراری روابط اقتصادی با کشورهای خارج از منطقه ترغیب نموده است.

در این صورت،همکاری‏های اقتصادی به‏ طور غیر مستقیم زمینه ایجاد تحول در سیاست‏های منطقه‏ای را فراهم می‏آورد.با همکاری اقتصادی بیشتر بین ایران و پاکستان، اختلافات این دو دولت در جانبداری از مسایل‏ افغانستان به اهداف مشترک سیاسی تبدیل شده‏ و از این رو نگرش و برخورد با آن نسبت به گذشته تغییر می‏کند.

طرح خط لوله مثالی است برای جهانی شدن‏ اقتصاد که موجب بروز تغییراتی‏ در سیاست‏های‏ منطقه‏ای می‏گردد.با احداث 909 کیلومتر خط لوله در مرز ایران و پاکستان،همکاری‏های دو کشور همسایه و اتخاذ خط مشی‏های خارجی‏ برای منافع اقتصادی در دو کشور الزامی‏ می‏نماید.مضافا آن که،همکاری‏های اقتصادی‏ بین ایران و پاکستان به حضور این کشور در آسیای جنوبی خدشه‏ای وارد نخواهد ساخت.

اختلافات بین پاکستان و هند بر سیاست‏های‏ آسیای جنوبی نیز تأثیر گذاشته است.روابط کنونی این دو کشور بر پایه عدم اعتماد در روابط سیاسی و اختلاف بر سر مناطق مختلف استوار گردیده است.طی 52 سال گذشته این دو کشور، درگیر سه جنگ بزرگ با یکدیگر بوده‏اند.اکثر همکاری‏های اقتصادی پاکستان و دیگر کشورهای آسیای جنوبی به علت نقش سلطه‏ جویانه هند در امور اقتصادی و جغرافیایی منطقه‏ قطع گردیده است.پاکستان و سایر کشورها تداوم‏ همکاری خود با هند را به منزله تقویت منطقه‏ای‏ برای این کشور می‏دانند.مضافا آنکه،روابط اجتماعی و فرهنگی بین هند و پاکستان به علت‏ درگیری‏های بین مسلمانان و هندوها رو به‏ وخامت گذاشته است.با در نظر گرفتن تنش‏های‏ چند جانبه در روابط بین هن دو پاکستان،امضاء قرارداد خط لوله بین این دو کشور به منزله یک‏ رویداد تاریخی تلقی می‏گردد.

قبل از آن،تنها توافقنامه دو جانبه بین دو کشور هند و پاکستان،در مورد توزیع منابع‏ طبیعی،"عهدنامه تقسیم آبهای رود ایندوس‏"در سال 1960 بوده است.

انعقاد قراردادی بین هند و پاکستان در مورد طرح خط لوله از آن نظر تاریخی محسوب‏ می‏گردد که می‏تواند مستقیما بر روی اختلافات‏ در مورد کشمیر(که مهمترین مورد اختلاف بین‏ دو کشور محسوب می‏گردد)تأثیر گذارد.در حالی که،فرقه‏های مذهبی مختلفی چون‏ مسلمان(اکثریت)هندوها و بودایی‏ها در کشمیر زندگی می‏کنند،برای پاکستان کشمیر از نظر حفظ هویت ملی بسیار مهم می‏باشد.صرف نظر کردن‏ از کنترل سومین کشوری که به تصرف هندی‏ها درآمده است به منزله خیانت بر پیشینه تاریخی‏ پاکستان به عنوان یک سرزمین متحد اسلامی‏ می‏باشد.از سوی دیگر،برای هند،ثبات کنترل‏ بر کشمیر از آن جهت مهم است که می‏تواند شبه‏

تجارت گاز طبیعی‏ بین ایران،هند و پاکستان‏ با در نظر گرفتن‏ حقایق جغرافیایی سیاسی، تاریخی و استراتژیکی‏ سه کشور،می‏تواند بر کل خاورمیانه و آسیا تأثیر به سزایی گذارد

قاره را خصوصا از نظر ملی‏گرایی نژادی- مذهبی یک پارچه نماید.

دولت هند می‏بایست طی مذاکرات خود این‏ واقعیت را در نظر گیرد که آیا با همه پرسی میان‏ مردم کشمیر برای تعیین ملیت خود موافقت‏ می‏نماید و یا در مذاکرات دوجانبه مستقیم خود با پاکستان در خصوص تقسیم بخش‏های‏ مختلف کشمیر(هر چند تاکنون موفقیت‏آمیز نبوده است)به نتیجه خواهد رسید.

مشابه با مساله کشمیر می‏توان طرح‏ پیشنهادی کشیدن خط لوله‏ای به بازارهای گاز طبیعی اروپا ملقب به‏"خط لوله صلح‏"را عنوان‏ کرد.طی این طرح قرار بود گاز طبیعی مصر به‏ صورت مایع LNG به وسیله کشتی به ترکیه‏ صادر گردد.قبل از این طرح،عرضه گاز طبیعی از طریق اسرائیل به ترکیه مد نظر بود لیکن مصر مورد دوم را برگزید.طی این طرح مصر از سال‏ 2000 حدود 350 میلیارد فوت مکعب گاز به‏ ترکیه صادر خواهد نمود.

تغییر روش عرضه گاز از خط لوله به صورت‏ LNG نشانگر این مساله است که کماکان در نقاطی که همکاری‏های بین کشورهای درگیر منطقه دستخوش بحران‏های سیاسی است‏ عرضه گاز به صورت LNG می‏تواند چاره‏ای در این خصوص محسوب گردد.برای هند نیز قطعا چنین مساله‏ای صدق می‏کند.این کشور بجای‏ آنکه خود را درگیر اختلافات منطقه‏ای خصوصا با پاکستان نماید،پیشنهاد احداث خط لوله‏ای از میان آب را به جای کشیدن خط لوله از سرزمین‏ پاکستان تحت مطالعه قرار داده است.زیرا قدر مسلم آن است که این دو کشور هرگز در مذاکرات‏ خود حداقل برای مساله کشمیر به توافق‏ نخواهند رسید.از طرف دیگر نیاز بیش از حد این‏ دو کشور به گاز طبیعی و کلا بحران انرژی در این‏ منطقه موجب گردیده تا با در نظر گرفتن طرح‏ خط لوله در مذاکرات سیاسی خود تجدید نظرهایی بعمل آورند.

مصرف انرژی در هند و پاکستان

هر دو کشور هند و پاکستان بیش از حد تولید خود انرژی مصرف می‏کنند.حدود 8 درصد از مصرف انرژی هند و 27 درصد آن در پاکستان به گاز طبیعی اختصاص یافته است.

ایران با برخورداری از 812 تریلیون فوت‏ مکعب ذخایر گاز طبیعی و سطوح پایین مصرف‏ آن،یک کشور توانمند توزیع کننده گاز برای دو کشور هند و پاکستان محسوب می‏گردد.تقاضای‏ کنونی گاز طبیعی در هند حدود 96 میلیون متر مکعب در روز گاز طبیعی دسترسی دارد. تقاضای پاکستان نیز بسیار فراتر از عرضه کنونی‏ آن می‏باشد.انتظار می‏رود،تقاضای پاکستان‏ برای گاز طبیعی تا سال 2006 به 50 درصد افزایش یابد.مضافا آنکه،تولید 7/0 تریلیون‏ فوت مکعب تنها 39 درصد از نیاز انرژی پاکستان‏ را تأمین می‏نماید.ذخایر گاز پاکستان تنها 6/21 تریلیون فوت مکعب برآورد شده‏اند و تمامی‏ تولید 7/0 تریلیون فوت مکعب گاز به مصرف‏ می‏رسد.حدود 70 درصد از ذخایر گاز طبیعی‏ هند در ایالت Gujarat و حوزه علیای Bombay واقع شده‏اند.دولت هند،اکتشاف منابع جدید را ترغیب می‏نماید هند نیز برای تأمین تقاضای‏ فزاینده گاز طبیعی و انرژی در آینده نزدیک به‏ علت عواملی چون هزینه و صنعتی شدن با مشکلات عدیده‏ای مواجه خواهد شد.

پاکستان همچنین به دنبال اکتشاف ذخایر گاز طبیعی خود در استان جنوبی Sindh می‏باشد. دولت شریف در سال 1997 برای اکتشاف منابع‏ گاز این منطقه از شرکت British Premier Oil دعوت به عمل آورد.ولی با اعتراض شدید بومیان منطقه که حاضر به تغییر روش زندگی‏ خود نبودند مواجه گردید.در حال حاضر،دولت‏ پاکستان همچنان به اکتشاف مناطقی از خاک‏ خود برای تولید بیشتر گاز امیدوار می‏باشد.ولی‏ با عدم همکاری بومی نشینان این مناطق و همچنین کمبود تسهیلات صنعتی،چندان امیدی‏ به پیشروی دیده نمی‏شود.